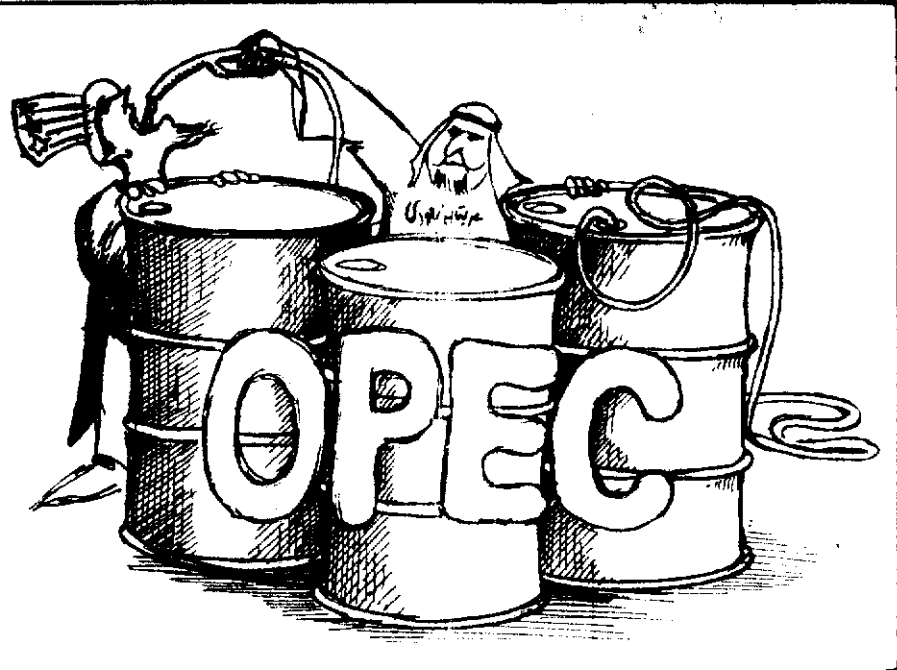


مقدمه: تا پایان دهه ۱۹۵۰ تقریباً کلیه امتیازات نفتی جهان (به استثنای کشورهای کمونیست، ایالات متحده آمریکا و کانادا) در اختیار هفت شرکت بین‌المللی و یا اقماری آنها قرار داشت. شرکتهای مزبور قراردادهای طولی‌مدت تقریباً مشابهی با کشورهای عمده دارنده نفت در حال رشد منعقد نموده بودند. از طرف دیگر این شرکتهای قراردادهایی تحت عنوان «اکتاکاری» و یا «قرارداد» در سال ۱۹۲۸ بین خود منعقد کرده بودند و بدین ترتیب در برابر کشورهای دارنده نفت جبهه واحدی را تشکیل داده و به خواسته‌های ملل مزبور در زمینه بهبود شرایط قراردادهای ترتیب اثر نمی‌دادند. کشور مکزیک در سال ۱۹۳۸ متعاقب نارضمانی کارگران صنعت نفت از شرایط کار و عدم توجه شرکتهای بین‌المللی نفتی به خواستهها و مصالح این کشور اقدام به ملی نمودن صنعت نفت خود نمود. مقابله مکزیک با شرکتهای بین‌المللی نفت با عکس العمل شدید دولت آمریکا به طرفداری از شرکتهای نفتی آمریکایی مواجه گردید و در نتیجه صنعت نفت این کشور سالیان متمادی تحریم شد و اجباراً در حالت رکود بسر برد البته نتیجه نهانی این مبارزه به نفع مردم مکزیک تمام شد و موجب گردید که قسمتی از منابع نفتی مکزیک برای نسلهای آینده آن ملت باقی بماند. ایران نیز در سال ۱۹۵۱ پس از چندین سال مذاکره و مجادله بی نتیجه با «شرکت نفت ایران و انگلیس» سرانجام صنعت نفت خود را ملی اعلام نمود. اقدام ایران به در اختیار گرفتن صنعت نفت خود ابعادی به مراتب وسیع تر از مسئله تجاری و اقتصادی یافت و بصورت مبارزه با امپریالیسم و استعماریت خارجی درآمد.

با اینکه مبارزات ملت ایران به خاطر وجود اختلاف در رهبری مبارزات، عملاً به نتیجه نرسیده بدر ملی گرایان در آن زمان با تکیه بر منیت خویش، در جواب تصایح بدرانه ایت‌ا... کاشانی که او را از خطر کودتا آگاه می نمود، حمایت مردم را از دولت ملی در مقابل سسیسه های آمریکا یادآور شد. غافل از آنکه امت مسلمان همیشه به ندای روحانیت مبارز به حرکت درآمده و بنیان طاغوتیان را برکنده است. و تاریخ، گواه صادقی بر این ادعا است. باری با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت ملی مصدق بدون اینکه کمترین عکس‌العملی از طرف مردم نشان داده شود سقوط کرده بر اساس قرارداد تحمیلی ۱۹۵۴ به جای شرکت انگلیسی «بی بی» بر کلیه شرکتهای نفتی بین‌المللی به غارت مخازن نفتی ایران پرداختند. معذالک مساعی ملت ایران در مورد ملی نمودن صنعت نفت، خود اثراتی عمیق در روابط کشورهای صادر کننده نفت با شرکتهای عظیم چند ملیتی برجا گذاشت بطوریکه سازمان ملل متحد طی چندین قطعنامه حقوق حقه کشورها را بر منابع طبیعی و اصل ملی کردن بر رسمیت شناخت. ایران با ملی کردن صنعت نفت خود و مبارزه‌ای که با



مروری بر تاریخچه اوپک و عملکرد

ب: از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ (قبل از انقلاب اسلامی ایران)
 ج: سال ۱۹۷۹ (بیروزی انقلاب اسلامی ایران) و دوران پس از آن
 الف: از تاسیس اوپک (سپتامبر ۱۹۶۰) تا (۱۹۷۳)

۱- علل تاسیس اوپک: در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ شرکتهای بین‌المللی نفت قیمت اعلان شده نفت خام را (که منبای وصول مالیات و پرداخت عواید نفتی کشورهای صادر کننده نفت بود) در مورد نفت خامهای حوزه خلیج فارس به ترتیب یکبار بشکه‌ای ۱۸ سنت و بار دیگر بشکه‌ای ۱۰ سنت کاهش دادند. قبلاً نیز در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ نفت خامهای خلیج فارس به علت پائین آمدن هزینه حمل و نقل موقعیت رقابتی بهتری نسبت به نفت خامهای داخل آمریکا و ونزولا پیدا کرده بودند. به عبارت دیگر نفت خامهای ارزان تری بودند. بنابراین دولت آمریکا برای جلوگیری از کاهش تولید داخلی خود اقدام به وضع مقرراتی درباره محدودیت واردات نفت به آمریکا و سهمیه بندی آن نمود و در نتیجه ونزولا بزرگترین کشور صادر کننده نفت جهان بیش از همه نگران سطح تولید و صدور آن و بالتبع نتیجه میزان درآمد تنها محصول کشور خود شد زیرا برای صادرات نفت خود با دو عامل مهم رقابتی یعنی نفت خام ارزان خلیج فارس و محدودیت

شرکتهای بین‌المللی نفت و بخصوص با شرکت نفت «بی بی» نمود، در حقیقت تا مدت‌ها راهگشای سایر کشورهای نفتی در حال رشد برای در هم شکستن روابط غیر عادلانه با کشورهای صنعتی و شرکتهای استعماری آنها در امر بهره‌برداری از منابع طبیعی آنها گردید. پس از ملی شدن صنعت نفت در ایران، اقدام قابل ملاحظه دیگری از طرف کشورهای تولید کننده نفت در جهت مقابله با شرکتهای نفتی بعمل نیامد تا اینکه در سال ۱۹۶۰ پنج کشور تولید کننده نفت (ایران، ونزولا، عربستان سعودی، عراق و کویت) اقدام به تشکیل سازمانی به نام سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) نمودند در آن زمان کمتر کسی گمان می برد که این سازمان با مشخصات مؤسسی آن و اهداف محدودی که اعلام کرده است حتی پس از سالهای طولانی از چنان موقعیت و اهمیتی در جهان برخوردار گردد که تصمیمات آن حیات اقتصادی کشورهای صنعتی جهان را تحت تاثیر قرار دهد.
 اکنون با گذشت ۲۰ سال از تاسیس «اوپک» می توان اقدامات این سازمان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و موفقیتها و ناکامیهای آنرا ارزیابی کرد. برای ارزیابی بهتر دوران فعالیت «اوپک» را می توان به سه فصل مشخص تقسیم نمود:
 الف: از تاسیس اوپک (۱۹۶۰) تا سال تعیین قیمت بطور مستقل (۱۹۷۳)

واردات خود به بازار امریکا مواجه گردید. شرکت نفت انگلیس در خاور میانه دارای امتیازات وسیع نفتی بود و سعی داشت برای کسب حداکثر منافع در حداقل زمان ممکنه در بزرگترین کشور مصرف کننده یعنی در امریکا رخنه بیشتری بکند و بنابراین «بی.پی» اولین شرکتی بود که در سال ۱۹۵۹ قیمت اعلان شده نفت خام را در خاورمیانه کاهش داد. بنابراین دولت ونزولا یادداشت اعتراض آمیزی پس از کاهش قیمت نفت در سال ۱۹۵۹ برای دولت انگلستان سهامدار عمده شرکت انگلیسی «بی.پی» ارسال نمود در آن نکات جالب توجه و آینده نگرانه ای می بینیم که لازم است قسمتهایی از آن نقل گردد. «اقدام در ارزان نمودن بهای نفت باعث به خواب خوش فرورفتن مصرف کنندگان است که در آینده ناچار خواهند بود بهای سنگین آنرا بپردازند. سعی در جدا نمودن قیمت گذاری نفت مناطق دیگر از بهای نفت امریکا به فراموشی سپردن یک روش تاریخی است و تعیین قیمت نفت فقط بر اساس دلخواهانه هزینه تولید موجب خسران سنگین

سازمان مشخص نموده است که عبارت می باشد از بازگرداندن قیمت اعلان شده نفت خام به سطح قبل از کاهشهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ لزوم مذاکره قبلی شرکتهای نفتی با دول عضو اوپک در باره تغییر قیمتها، جلوگیری از نوسانات غیر ضروری قیمتها بوسیله شرکتها، تصمیمات اوپک و تنظیم میزان تولید بنحویکه درآمد ثابتی برای کشورهای عضو تأمین شود. بطور کلی تحت تأثیر شرایط آن روزگار در اولین قطعنامه اوپک هدفهای محدودی برای این سازمان تعیین کرد. سازمان اوپک حتی برای نیل به اهداف محدود فوق نیز در ده سال اولیه عمر خود از جمله در مورد بازگرداندن قیمتهای اعلان شده نفت خام به میزان قبل از سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ و همچنین تنظیم تولید، موفقیتی نیافت. و تنها موفقیت اوپک در دوره اولیه به هزینه گذاشتن بهره مالکانه و کاهش مخارج با ارزیابی شرکتها از هر بشکه ۱/۷۸ سنت به ۵/۵ سنت می باشد. اشاره به این مطلب مهم ضروری است که گرچه بخاطر تشکیل اوپک از تنزل قیمتهای اعلان

شاخص بین المللی کالاهای صنعتی و مشارکت در شرکتهای عامل نفت در کشورهای عضو. انعکاس این اندیشه ها طی قطعنامه ای که در کنفرانس شانزدهم (ژوئن ۱۹۶۸) به تصویب رسید که «اوپک» را تا حدی از حالت رکود و بن بست چندین ساله خلاص کرد.

حق قیمت گذاری نفت خام: قطعنامه مذکور سیاست نفتی کشورهای عضو در باره حق قیمت گذاری را به شرح زیر تعیین نمود:

«در کلیه قراردادهای محاسبه درآمد طرف قرارداد پرداخت مالیات و سایر پرداختها بدولت بر اساس قیمت اعلان شده و یا بر مبنای قیمتهای مورد محاسبه مالیات انجام خواهد شد این قیمتها بوسیله دولت تعیین خواهد شد و تغییر در آن به نحوی خواهد بود که در مقایسه با قیمت کالاهای ساخته شده در بازارهای بین المللی وضع نامساعدتری نداشته باشد. تعیین قیمت مزبور با توجه به عوامل نوع و وزن مخصوص و موقعیت جغرافیایی بر اساس قیمتهای خواهد بود که برای

آن از زمان پیدایش قسمت اول

کشورهای دارنده این ثروت طبیعی تمام شدنی خواهد شد. به نظر می رسد تنها هدف اقتصادی این طرز عمل علاقه سوداگران (که همان شرکتهای بین المللی می باشند) در بدست آوردن منافع سریع است و فقط ظاهر آن در جهت منافع مصرف کنندگان می باشد ولی باطنا کاهش قیمت نفت همراه با افزایش مصرف بزودی جهان را با کمبود نفت مواجه خواهد کرد و بلااجبار مصرف کنندگان بایستی مبالغ گزافی بابت تأمین هزینه های اکتشاف و کشف نفت در مناطق جدید بپردازند

ضمناً دولت ونزولا طی یادداشتی بدولت امریکا از مقررات مربوط به سهمیه بندی واردات نفت آن کشور نگرانی خود را ابراز نموده و از آن دولت نیز خواسته بود که بازار تضمین شده ای برای نفت ونزولا در نظر بگیرد. دولت ونزولا طبعانه از نامه خود بدولت انگلیس نتیجه ای گرفت و نه از یادداشت خود بدولت امریکا طرفی بست ولی وزیر نفت وقت ونزولا «دکتر برزالفونسو با مقامات چهار کشور عمده صادر کننده نفت خلیج فارس ملاقات کرد و بدین ترتیب سازمان اوپک رسماً بوسیله پنج کشور بزرگ تولید کننده نفت: ایران، عربستان سعودی، کویت، عراق و ونزولا (اعضای مؤسس) در سپتامبر ۱۹۶۰ در بغداد تأسیس گردید.

۲- هدف از تأسیس اوپک: هدف از تأسیس اوپک را قطعنامه اول این

❀ بعد از کودتای ۲۸ مرداد رضا خانی که منجر به سقوط دولت مصدق شد به جای شرکت انگلیسی «بی.پی» بر اساس قرارداد تحمیلی ۱۹۵۴ کلیه شرکتهای نفتی بین المللی به غارت مخازن نفتی ایران پرداختند.

❀ سازمان «اوپک» به پیشنهاد دکتر برزالفونسو وزیر نفت وقت ونزولا رسماً بوسیله پنج کشور ایران، عربستان سعودی، عراق و ونزولا در سپتامبر ۱۹۶۰ در بغداد تأسیس گردید.

شده خیری نشد ولی قدرت خرید کشورهای عضو اوپک از کشورهای صنعتی بابت صادرات یک بشکه نفت (با توجه به قیمت ثابت آن و همینطور تورم جهانی) به نسبت قابل توجهی کاهش یافت. در مورد بهره مالکانه نیز که عملاً تا سال ۱۹۶۴ از بابت این رقم مبلغی به درآمد کشورهای تولید کننده نفت اضافه نمی شد زیرا شرکتها بر خلاف مفاد قرارداد آنرا جزئی از بدهی مالیاتی خود تلقی می کردند یا به هزینه گذاشتن این رقم نصف آن به درآمد کشورهای عضو اضافه گردید ولی چون هزینه گذاشتن این رقم مرتبط به تخفیفهایی در قیمت اعلان شده نفت خام شده بود عملاً این اقدام در چند سال اول مبلغ ناچیزی بر درآمد کشورهای تولید کننده نفت افزود.

۳- مهمترین حوادث این دوران (دهه ۱۹۶۰): الف - تعیین اهداف جدید: در اواخر دهه ۱۹۶۰ اندیشه های جدیدی به علت ناموفق بودن مذاکرات با شرکتهای نفتی در اوپک راه یافت از جمله لزوم در اختیار گرفتن حق قیمت گذاری نفت خام، ارتباط قیمتهای نفت خام با

«هیدروکربورها» در سایر کشورهای عضو «اوپک» تعیین شده و به عنوان ماخذ مالیاتی مورد قبول قرار گرفته است.

مشارکت اصول زیر برای مشارکت دولتها در امتیازات شرکتها در قطعنامه مذکور تعیین شد. «در هر یک از قرار دادهای موجود که مقرراتی برای مشارکت دولت در مالکیت شرکت طرف قرارداد پیش بینی نشده است دولت می تواند به استناد اصل تغییر اوضاع و احوال سهم متصفانه ای از مشارکت را برای خود تحصیل نماید. هر گاه چنین مقرراتی در قرارداد وجود داشته لیکن شرکت طرف قرارداد از اجرای آن خودداری کرده باشد میزان مشارکتی که در قرار داد پیش بینی شده است بعنوان حد اقل در نظر گرفته خواهد شد.

قطعنامه شانزدهمین کنفرانس «اوپک» اهداف اولیه اوپک را تا حدی تکمیل و وسعت بخشید با آنکه سیاستهای فوق الذکر در سال ۱۹۶۸ به تصویب رسید ولی تا سال ۱۹۷۲ اوپک نتوانست اقدامی در زمینه اجرای آنها بعمل آورد. از حوادث بقیه در صفحه ۲۷

مروری بر ...

قابل ذکر در این دوران تشکیل اوپک عربی به پیشنهاد عربستان سعودی است تا با ایجاد جبهه‌ای واحد در مقابل کشورهای پیشرو اوپک که خواهان منافع ملتهای مستضعف خود می‌باشند حافظ امپریالیسم جهانی باشند.

در واقع امپریالیسم جهانی که با تشکیل اوپک منافع سرشار خود را در خطر می‌دید، عوامل دست نشانده خود را در ایجاد جبهه‌ای واحد در مقابل کشورهای پیشرو اوپک ترغیب نمود که بتواند از تصویب قطعنامه‌هایی که حقوق حقه کشورهای صادرکننده نفت را تضمین می‌کرد جلوگیری نماید.

ب - افزایش تعداد اعضا: سازمان:

غیر از پنج کشور ایران، کویت، عربستان سعودی، عراق و ونزوئلا که اعضا مؤسس اوپک هستند بتدریج هشت کشور جدید نیز عضویت اوپک را در سالهای مختلف زیر قبول کردند:

قطر در سال ۱۹۶۱، اندونزی و لیبی در سال ۱۹۶۲، ابو ظبی در سال ۱۹۶۴، الجزایر در سال ۱۹۶۹، نیجریه در سال ۱۹۷۱، اکوادور در سال ۱۹۷۳ و گابن در سال ۱۹۷۵ به عضویت اوپک درآمدند. در حال حاضر تعداد اعضا، اوپک سیزده کشور می‌باشد. طبق اساسنامه‌آن عدد از کشورهای صادرکننده نفت که دارای منافع مشترک با اعضا اوپک می‌باشند می‌توانند در خواست عضویت در سازمان را بنمایند. عضویت اعضا جدید مستلزم موافقت کلیه اعضای مؤسس و تصویب ۷۵٪ اقل سه چهارم کلیه اعضا می‌باشد.

ج - تأسیس شرکتهای ملی نفت:

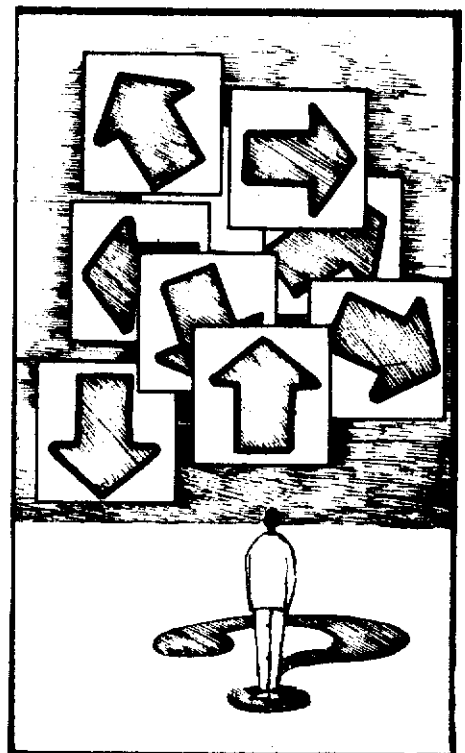
ایران از بین کشورهای عضو اوپک اولین کشوری است که اقدام به تأسیس شرکت ملی نفت نموده است. شرکت ملی نفت ایران در اردیبهشت ۱۳۳۵ به موجب قانون معروف به قانون اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت تأسیس گردید و سایر کشورهای عضو اوپک بعداً اقدام به تأسیس شرکتهای ملی نفت خود نمودند.

ادامه دارد

همینجا وجود خدا را اثبات می‌کند. این است که می‌گوید ۲ چیز اعجاب آور است. که هیچ چیز باندازه آنها برای انسان اعجاب آور نیست (معلوم می‌شود خودش تحت تاثیر این جهت بوده) یکی آسمان پرستاره در بالای سر ما دیگر وجدان که در ضمیر ما قرار گرفته. به عبارت دیگر گاهی چه علما و عرفای ما یا علمای آنها به جای عقل کلمه دل می‌آورند که در اینجا منظور از دل همین وجدان است. کانت گفته است که ژان ژاک روسو صاحب کتاب معروف امیل و کتاب اعترافات و کتابهای دیگر یک جمله ای درباره خدا گفته است. دل منطقی دارد. که سر آن منطق را درک نمی‌کند یعنی گاهی وقتها یک چیزهایی را انسان به حسب وجدان خودش احساس می‌کند که فکرتش بانجا نمیرسد و بعد می‌گوید پس راست گفته است. روسو و باز می‌گوید راست گفته باسگال. باسگال یکی از نوابع ریاضی اروپا است (که می‌گویند فوق العاده نابغه بوده است) آنها گفته که دین برای خود دلیلهایی دارد که سر یعنی عقل از آن دلیلهای اساسا خبر ندارد. کانت می‌گوید اینها راست می‌گویند حرف اینها درست است، مقصودش این است که برای اثبات وجود خدا انسان نباید همه اش دنبال دلیل عقل برود آنها یک سلسله ادله استه‌ ولی دل برای خودش دلیلهایی دارد غیر از دلیلهای عقل. راه دل، راه، ضمیر یک راه جدایی است بسوی خدا و راه عقل راه جدایی است به سوی خدا یکی از آنراه و یکی از راه دیگر می‌خواهد برود اینجا یک حدیثی یاده افتاد که با این مسئله هم مناسب است و معمولا هم ذکر می‌کنند شخصی آمد خدمت امام صادق (ع) و عرض کرد به چه دلیل من به وجود خدا اعتقاد پیدا بکنم، امام از یک راه تحلیلی وجدان وارد شد. فرمود هیچ اتفاق افتاده که سوار کشتی شده باشی؟ گفت بله. اتفاق افتاده که باد تندی بوزد (قدیم کشتی بخاری که بوده) و کشتی فوق العاده متلاطم احیاناً شکسته باشد بطوری که تو از تمام علل و عوامل مایوس شده باشی؟ گفت اتفاقاً پیش آمده، فرمود تو همان وقت هیچ احساس کردی که یک قدرتی هست که اگر بخواهد ترا نجات بدهد، نجات می‌دهد؟ گفت بله. فرمود همان او خدا است. آنوقتی که تو از همه علل و اسباب و عوامل بریده بشوی خواه ناخواه این وجدان تو است که نمی‌گذارد. مایوس باشی. چون واقعا چنین چیزی در وجدان تو هست، حکم می‌کند که هست.

اراده اش که تعلق بگیرد از سلسله اسباب و مسببات چیزی در مقابلش نیست. خوب این نظریه که نظریه وجدان بود همانطور که عرض کرده یک نظریه خاصی است و تکیه اش بر عاطفه نیست. تکیه اش هم بر اراده و عقل نیست تکیه اش تنها بر وجدان است. حالا این نظریه آیا قابل انتقاد است یا

خلود نفس یعنی احساس اینکه من باقی هستم و پاداشم را از عالم و جهان می‌گیرم و پاداشم کم نمی‌شود. این خودش متضمن ایمان به خالق است. یعنی ایمان به خلود مستلزم ایمان به خالق است. این است که آقای کانت از همین وجدان اخلاقی نه فقط دستورات اخلاقی را استنباط می‌کند. این پایه فلسفه او در همه ماوراء الطبیعه است. از همینجا آزادی و اختیار را اثبات می‌کند، از همینجا بقای نفس و خلود نفس و عالم آخرت را اثبات می‌کند. از



* ایمان به خلود نفس
یعنی احساس اینکه من باقی
هستم و پاداشم را از عالم و
جهان می‌گیرم و پاداشم کم نمی
شود، این خودش متضمن ایمان
به خالق است، یعنی ایمان به
خلود مستلزم ایمان به خالق
است.